



باشند؛ دلم می‌خواست چیزی نگذارم. ضمن اینکه تا مدت‌ها نام سریال «تلمه» بود و بعد تغییر کرد. همین موضوع هم به نظر بار و انرژی خاص خودش را داشت و احساس مسئولیت بیشتری ایجاد می‌کرد.

برای جریان این فاصله و رسیدن به نقش، تمام تلاشم را کردم. فکر می‌کنم هرچه در توانم بود گذاشتم تا در خدمت پروژه باشم. اینکه چقدر به نتیجه رسیده، دیگر باید مخاطب و عوامل درباره‌اش قضاوت کنند.

○ **لحن دیالوگ‌ها را برخی «سرگردان بین نیمه کلاسیک و امروزی» توصیف کرده‌اند. اجرای این نوع دیالوگ برای شخصیتی تاریخی، از نظر بازیگری چه سختی خاصی داشت؟**

وقتی فیلمنامه را می‌خوانید، به نظر لحن آن اصلاً امروزی نیست. من احساس می‌کردم دیالوگ‌ها باید با همان حال‌وهوا گفته شوند. شاید این برداشت درستی نباشد، اما به نظر همه ما گاهی خودمان را خیلی عقل‌کل و آگاه می‌دانیم و فکر می‌کنیم از همه چیز باخبریم. اگر بخواهیم از این زاویه نگاه کنیم، زمانی که خودمان را بسیار دانا می‌دانیم، لحن، کلام، بیان و حتی صدایمان متفاوت می‌شود. به نظر این ویژگی، چه برای یک بازیگر و چه برای هر انسان دیگری، لزوماً ویژگی جذابی نیست؛ اما من سعی کردم از همین ویژگی برای ساختن تلمه استفاده کنم. با خودم فکر کردم تلمه خودش را عاقل و دانا می‌داند و این ویژگی باید در لحن و نحوه اجرای دیالوگ‌هایش هم دیده شود. بنابراین فکر کردن به اینکه چنین آدمی چطور نگاه می‌کند، چطور حرف می‌زند و تن صدایش چطور است، به من کمک کرد. در نهایت توانستم این نوع لحن و دیالوگ گفتن را برای خودم درونی و تبدیل به بخشی از شخصیت تلمه کنم.

○ **گریم و لباس تاریخی برای بازسازی فضای قرن هشتم هجری، تجربه نسبتاً تازه‌ای برای بازیگران این پروژه بوده. این گریم و کاراکتر بصری تلمه چقدر روی شکل بازی و حرکات بدنی شما اثر گذاشت؟**

گاهی وقتی لباس را می‌پوشیدم و خودم را در آینه نگاه می‌کردم، با خودم می‌گفتم: «من در این لباس دارم چه کار می‌کنم؟» چون واقعاً شرایط متفاوتی بود. به نظر می‌گرم و لباس ما کاملاً و دقیق طراحی شده بود. طراحی گریم را خانم آرزو کیقبادی و طراحی لباس را خانم آزاده قوام بر عهده داشتند و هر دو بخش به نظر بسیار خوب و کامل بود. برای من این موضوع هم مسئولیت سختی بود و هم مسئولیتی جذاب؛ چون باید همه این عناصر را در کنار هم نشان می‌دادم. اگر لباس من زیبا باشد، اما نتوانم از پس نقش بر بیایم، آن زیبایی دیگر برای خودم معنایی ندارد. همیشه با خودم می‌گفتم باید بهترین شکل خودم باشم و صد درصد خودم را در اختیار نقش بگذارم تا همه چیز درست اجرا شود و به بهترین شکل دیده شود. نمی‌دانم چقدر در این مسیر موفق بودم، اما تمام تلاشم را کردم که این هماهنگی میان گریم، لباس و بازی اتفاق بیفتد.

○ **صحنه‌های مشترک با بازیگرانی چون حسن معجونی، بهاره افشاری و سعید شریف، بازیگرانی با سابقه طولانی، چه چیزی به تجربه شما در این پروژه اضافه کرد؟**

خیلی لذت‌بخش و جالب بود، مخصوصاً همکاری من با سعید شریف. سعید شریف واقعا یکی از بهترین پارتنرهایی بود که در این چند سالی که مشغول کار هستم، داشتم و یکی از بهترین همکارانم در این پروژه بود. هر کمکی که از دستش برمی‌آمد، انجام می‌داد و واقعا در کنار من بود. سابقه بازی در آثار تاریخی را هم داشت و همین تجربه خیلی به من کمک می‌کرد. برای من صبوری زیادی به خرج می‌داد و واقعا خیلی، خیلی از او ممنونم.

خیلی درباره این موضوع با کارگردان صحبت کردیم. ایشان درباره نقش و ویژگی‌های تلمه توضیحات زیادی به من دادند. تلمه دختری درون‌گرا و عاقل بود. من خودم شاید کمی حرکات تندتری داشته باشم یا شیطنتی در رفتارم باشد و ریتم رفتاری‌ام هم متفاوت باشد؛ اما کارگردان تلمه را دختری بسیار باوقار می‌دید؛ دختری که در نگاه‌کردنش هم وقار وجود دارد و چندان اهل شیطنت نیست.

خانواده برای تلمه اهمیت زیادی دارد و طرز فکر و باورهایش نیز برایش بسیار مهم است. گاهی از حواس‌پرتی یا رفتار دیگران آزرده و دلخور می‌شود. من هم این شخصیت را دختری دیدم که قبل از هر حرکت، فکر می‌کند و بی‌محابا کاری را انجام نمی‌دهد.

این ویژگی‌ها هم از خواندن فیلمنامه به ذهنم رسید و هم از صحبت‌هایی که همیشه با کارگردان داشتیم؛ چه قبل از هر پلان و چه در زمان‌های دیگر. گاهی حتی درباره سکانسی که قرار بود خیلی بعدتر فیلم‌برداری شود، از مدت‌ها قبل با کارگردان صحبت می‌کردیم.

○ **در نسخه مکتوب داستان، این عشق از زاویه دید پسر (هاشم / فتح) روایت می‌شود و دنیای درونی دختر داستان کمتر دیده می‌شود. بازی در نقش تلمه، چقدر فرصت داد که این نگاه را برای مخاطب کامل‌تر یا حتی جبران کنید؟**

نقش تلمه واقعا نیاز به فکر کردن داشت و برای من چالش برانگیز بود. بعضی وقت‌ها از درون اسپرتس زیادی داشتم؛ مخصوصاً به این دلیل که پروسه انتخاب بازیگر و پیش‌تولید آن قدر طولانی شده بود که اضطرابم را بیشتر می‌کرد. دوست داشتم همه از کارم راضی

برای تبدیل تصویر ذهنی رمان به تصویر بصری سریال بوده است. ما رمان را به عنوان یک نقطه آغاز پذیرفتیم تا بتوانیم در فضای تلویزیونی، روایتی نو و متناسب با محدودیت‌ها و فرصت‌های بصری خلق کنیم.

مقایسه خط به خط رمان و سریال، از نظر من، یک خطای تحلیلی است. رمان یک تجربه درونی است و سریال یک تجربه بصری. هر رمان وقتی وارد دنیای درام می‌شود، باید تغییر کند تا بتواند با عناصر دراماتیک و محدودیت‌های زمانی و امکاناتی سازگار شود.

○ **بازخورد مخاطبان در فضای مجازی خیلی خوب ارزیابی می‌شود، خودتان به عنوان کارگردان چه بازخوردی داشتید؟**

صادقانه بگویم، من در برابر حجم این استقبال، شگفت‌زده شده‌ام. این میزان از پذیرش و ارتباط عمیق مخاطبان، برای من و تمام دست‌اندرکاران اثر، یک فرصت ارزشمند و اتفاقی رویایی است. آنچه مرا بیش از همه خوشحال می‌کند، این است که دیدم طیف‌های بسیار متنوعی از مخاطبان از جامعه مذهبی و معتقد گرفته تا اهل هنر و ادبیات با وجود نگاه‌های متفاوت، دور این اثر جمع شده‌اند و با شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. اینکه می‌بینم مخاطبان در غم و شادی شخصیت‌ها شریک شده‌اند و مشتاقانه منتظر سرنوشت آن‌ها هستند، برای من از هر جایزه‌ای ارزشمندتر است. در تمام سال‌های فعالیت هنری‌ام، چنین پیوند عاطفی و گسترده‌ای را تجربه نکرده بودم.



آیدا ماهیانی، بازیگر نقش تلمه:

چه اشکالی دارد یک زن برای ابراز عشق پیش‌قدم باشد؟

آیدا ماهیانی، بازیگر نقش تلمه در «رویای نیمه‌شب»، با حضور در این سریال تجربه‌ای متفاوت از دیگر نقش‌هایش را پشت سر گذاشته است. نقشی که او را به فضای تاریخی، لحن متفاوت و شخصیت‌پردازی دور از ویژگی‌های شخصی‌اش برد و فرصتی تازه برای آزمون توانایی‌های بازیگری‌اش فراهم کرده است.

○ **تلمه دختری شیعه است که عشقش به فتح او را رودرروی خانواده، سنت و سیاست‌های مذهبی زمانه قرار می‌دهد. برای درونی کردن این کشمکش، از کجا شروع کردید؟**

پروسه انتخاب من برای این کار، تا آنجا که متوجه شدم، خیلی طولانی بود و در پشت صحنه و مرحله پیش‌تولید، زمان زیادی صرف انتخاب بازیگر نقش تلمه شد. فکر می‌کنم من آخرین نفری بودم که به این پروژه پیوستم. یادم هست روزی که قرار داد بستم، فکر می‌کنم دو روز بعد برای فیلم‌برداری جلوی دوربین رفتم. کار را با خواندن فیلمنامه شروع کردم و بعد از آن، رمان مظفر سالاری را خواندم. اوایل کار، بیان دیالوگ‌ها برایم کمی سخت بود؛ چون فکر می‌کنم صحبت کردن با این شکل و لحن، برای هر بازیگری آسان نیست. اما کم‌کم برایم جا افتاد و بعد از مدتی، این نوع بیان کاملاً برایم راحت شد.

○ **منتقدان شخصیت تلمه را در کنار فتح، نمونه‌ای از «تیپ آشنای دختر مؤمن» در آثار تاریخی می‌دانند تا شخصیتی چندلایه. شما به عنوان بازیگر، چه لایه‌هایی به تلمه اضافه کردید؟**

مواجه بودیم که آیا می‌خواهیم اثری خلق کنیم که تنها در محافل تخصصی و جشنواره‌های هنری مورد بحث باشد، یا اثری که بتواند با طیف گسترده‌ای از مخاطبان، به‌ویژه نسل جوان و نوجوان، ارتباط برقرار کند.

ما تصمیم گرفتیم به جای استفاده از جملات صقیل و متکلف که شاید در متون ادبی زیبا باشند اما در گیره دادن با مخاطب امروز ناکارآمد هستند، لحنی را انتخاب کنیم که در عین حفظ حال‌وهوای کهن، برای مخاطب عام قابل درک و پذیرش باشد. از نظر من، هنر تولید آثار تلویزیونی، هنر رساندن است؛ یعنی خلق پلی میان دنیای هنر و توده مردم. با توجه به بازخورد‌های مثبتی که از سوی مخاطبان دریافت کردیم، معتقدم این جسارت در تغییر لحن، برای رسیدن به هدف ما یعنی پذیرش عام، کاملاً درست و به‌جا بود.

هدف ما این نبود که یک اثر موزه‌ای بسازیم که تنها متخصصین ادب و هنر آن را ستایش کنند، بلکه می‌خواستیم اثری خلق کنیم که در قلب مخاطب عام جای بگیرد. وقتی مخاطب جوان با اثر ارتباط می‌گیرد و آن را می‌پذیرد، یعنی زبان سریال با فرکانس او هم‌سو شده است. بنابراین، این نوسان در واقع یک تسهیل برای دسترسی مخاطب به روایت داستان بود و بر اساس شناخت دقیق ما از جامعه هدف، اجرا شد.

○ **پخش این سریال قرار بود از شبکه خانگی باشد، بعد به‌خاطر اعتراض با مناسبات صداوسیما و قرارداد عوامل، ماجرا پیچیده شد تا بالاخره از شبکه سه پخش شد. از نگاه یک کارگردان، این کشمکش چه‌قدر روی شکل نهایی تدوین و حتی محتوای اثر برای پخش تلویزیونی اثر گذاشت؟ حتی ماجرای سانسورها با گریم‌هایی متفاوتی که داشتید لطمه وارد نکرد؟**

من معتقدم هر اثر پس از پایان تدوین و اتمام مراحل تولید، زندگی مستقلی را آغاز می‌کند و از این نقطه به بعد، متعلق به مخاطب و جهان است. از نظر من به عنوان کارگردان، این یک رویکرد آگاهانه است که پس از خلق اثر، اجازه دهم اثر مسیر خودش را طی کند؛ چرا که در مراحل پخش و توزیع، متغیرهایی وجود دارد که از حیثیه تصمیم‌گیری کارگردان خارج است. در مورد بستر پخش، چه پلتفرم باشد و چه تلویزیون، هدف نهایی من رسیدن به مخاطب است. شاید در ابتدا برنامه‌ریزی‌های متفاوتی برای پخش بین‌المللی یا پلتفرمی داشتیم و حتی برخی تصور می‌کردند پخش چنین اثری از تلویزیون ممکن نیست، اما در نهایت، اهمیت این موضوع برای من در کیفیت اثر است، نه بستر پخش آن.

در مورد سانسورها، باید صادقانه بگویم که هرگاه تغییراتی در جزئیات ظاهری یا گریم‌ها اعمال می‌شود، هر هنرمندی دلسوز می‌شود. اما اگر نگاه کلان‌تری داشته باشیم، باید اعتراف کرد که پخش اثری با این جسارت در موضوع و شیوه روایت (به‌ویژه پرداخت به موضوع مهدویت)، آن هم با کمترین میزان سانسور در محتوا، نشان از جسارت و باز بودن نگاه مدیران و دست‌اندرکاران تلویزیون و شبکه اوج دارد که بابت آن بسیار سگوارم.

○ **اقتباس آزاد از رمان مظفر سالاری، در کتاب مفاهیم مذهبی و انسانی با لحنی منسجم‌تر بیان شده، اما در سریال گاهی مرز بین «انتقال پیام» و «شعارزدگی» کم‌رنگ می‌شود. بزرگ‌ترین چیزی که در فرآیند اقتباس از کتاب به سریال، آگاهانه حذف یا کم‌رنگ کردید چه بود؟**

باید بگویم که نگاه من به اقتباس، نگاهی تولیدی و خلق‌کننده است، نه نگاهی کپی‌بردارانه. رمان مظفر سالاری، اثری بی‌نظیر است و هرگز تلاشی برای بازسازی کلمه به کلمه آن نبود؛ چرا که زبان رمان و زبان تصویر، دو دنیای کاملاً متفاوت‌اند. وقتی یک داستان از زمان به فیلمنامه و سپس از فیلمنامه به دیدگاه کارگردان می‌رسد، لایه‌های جدیدی به آن اضافه می‌شود. در واقع، اصالت هنر در همین تغییر است. اگر سریال صرفاً بازتابی از رمان باشد، ما چیزی به روایت اضافه نکرده‌ایم و در واقع کیفیت جدیدی خلق نکرده‌ایم. من به عنوان فیلمساز، به دنبال آن بودم که حتی مخاطبی که رمان را خوانده است، در مواجهه با سریال غافلگیر شود و در تعلیق دراماتیک قرار بگیرد. بنابراین، هرگونه تفاوت در لحن یا پرداخت، نه از روی بی‌توجهی، بلکه

